

گوشه‌ای از معارف اسلام

احوذ بالله من الشیطان الرجیم

رب‌المشرق و المغرب پروردگار مشرق و مغرب (۱) رب‌المشرقین و رب‌المغربین
پروردگار دو مشرق و دو مغرب (۲) فلاقسم بر رب‌المشرق و المغرب قسم به پروردگار
مشرقها و مغربها (۳)

بدبختانه عصریکه مادر آن زندگی میکنیم باید عصر جهالت و نادانیش بنامیم چه در
این دوره از زمان باینکه دول راقیه جهان بقدری در علوم مادی و آلات و ادوات آدم کشی
پیشرفت کرده‌اند که این قرن راقرن اتم و الکترون نامیده‌اند معذالك از حیث ملکات فاضله و
و کمالات اخلاقی دنیای بشریت نه تنها مدارج کمالی نه پیموده است بلکه با سرعتی هرچه تمامتر
رو بانحطاط و توحش می‌رود اما این سیر قهقرائی در دنیای مغرب که بوئی از معارف الهی
بشامشان نوزیده است چندان جای تعجب نیست چه این علوم مادی هر قدر دامنه‌اش وسیعتر
گردد مادامیکه دوش بدوش معارف الهیه سیر نکنند ثمری جز انحطاط مدارج اخلاقی و بالتسبیح
ایجاد و سایل سریعہ آدمکشی میوه دیگری نخواهد داشت «و الذی خبث لا یخرج الا نکدا»
آری زمین شوره سنبل بر نیارد اما تعجب ما از این سیر نزولی و انحطاط اخلاقی بیشتر جوامع
ممالک اسلامی و مخصوصاً جامعه تشیع خودمان است که با داشتن اینهمه منابع دینی و اخلاقی
و گنجینه‌های معارف الهی که هر یک میتواند ما را از حضيض ذلت باوج عزت و جلالت رسانند
معهدنا تمام آنها را پشت سر گذارده با فریب دشمنان اسلام روبه اضمحلال و نیستی می‌رویم آری
از همان روزی که گلاب ستون وزیر امور خارجه انگلستان در پشت تریبون مجلس شورای
ملی انگلیس قرآن را بر سر دست گرفت و گفت تا این کتاب در کشورهای اسلامی حکمفرما
است ما نمیتوانیم در دنیای اسلام تمدن خود را بسط دهیم (بعبارت روشنتر نمیتوانیم آنها را
استعمار و استثمار نمائیم) و برای نیل باین مقصود باتمام قوا کوشیدند که دین اسلام را در انظار
تابعین آن یک دین خرافی یا یک دین مخالف با علم و صنعت و بالاخره یک دین مباین با ترقی و
آسایش نوع بشر جلوه دهند تا ما را از کلیه مزایائی که موجب سیادت و سعادت دنیا و آخرت
است محروم دارند و خود دواسبه بر جهان اسلام بتازند .

آری این تبلیغات مسمومه آنان بقدری دامنه‌اش وسعت یافت که الی یومنا هذا آثار منجوسه‌اش کاملاً مشهود است بطوریکه دانشجویان و حتی اغلب کسانی که زمام امور فرهنگ ما را در دست دارند چنین می‌پندارند که تمدن اسلام بادیای علم و دانش مخالف است و این دو امر را نمیتوان بایکدیگر سازش داد و بهمین جهت مدت‌هاست که وزارت فرهنگ مادر برنامه‌های ادوار مختلفه تحصیلی علوم مذهبی را بنظر اهمال و لا قیدی نگریسته ابداً و قعی بر آن نمی‌نهد -

این تبلیغات مسمومه اجانب دامنه‌اش بجائی کشید که در اوایل مشروطیت در اغلب مرامهای احزاب اینجمله یکی از مواد برجسته آنها محسوب میشد « تفکیک امور روحانی از سیاست » باینکه قرآن مجید که منبع و سرچشمه تمام احکام اسلام و مکارم اخلاقی آن است قریب سه ربع دستورهایی مربوط بامور دنیا و علم و حکمت و سیاست مدن و راه سعادت و سیادت مسلمین و گروندگان بدین حنیف اسلام است چنانکه خداوند میفرماید هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلو اعلیهم آیات و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان كانوا من قبل لقی ضلال مبین (۱) خلاصه ترجمه - اوست (خدا) کسیکه برانگیخت بین جمعیت امی و بیسواد پیغمبری را از خود آنها که بخواند بر آنان آیات خدا را و پاک کند از فساد اخلاق و تعلیم دهد آنها را کتاب و حکمت در صورتیکه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند .

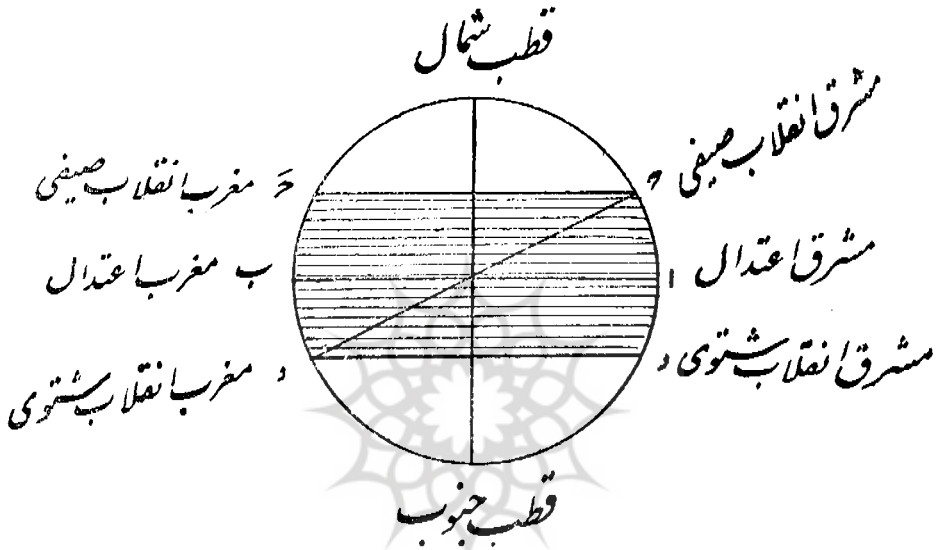
اکنون ما گوشه ای از معارف قرآن را بادانش آموزان عزیز خود که اندکی با علم هیئت آشنائی دارند در میان میگذاریم و با آنها صحبت میکنیم تا مگر بفضل الهی بتوانیم آنها را متوجه سازیم که چگونه هر جمله از این کلام معجز نظام مملو از یکدنیا علم و دانش است و من باب مثال همان سه آیه شریفه را که زینت بخش مقاله خود قرار دادیم در معرض بحث و تحقیق میگذاریم :

میدانیم که کره آفتاب در مدت یکسال (بر حسب ظاهر) یکدور در روی منطقه البروج بدور زمین دور میزند (اگرچه این گردنده زمین است که در واقع و نفس الامر بدور آفتاب میگردد و آفتاب در یکی از دو کانون بیضی مدار زمین ثابت میباشد) و میدانیم که سطح منطقه البروج نسبت بمعدل النهار در این ادوار حیاتی مائقریباً ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه (۱) مایل است که باصطلاح هیوبین آن را میل کلی گویند پس حرکت آفتاب در عرض یکسال شمسی از ۲۳

(۱) و اگر بخواهیم بتحقیق گفتگو نماییم باید بگوئیم که میل کلی در هر سال اینست - ع ۴۵۷ ر ۰ - ۱۰۹ - ۱۰۹
 نایه ۲۷ دقیقه ۲۳ درجه = میل کلی ع عدد سالهائی است که از سنه ۱۲۰۸ هجری شمسی باید شمرده شود

درجه و ۲۷ دقیقه شمالی تا ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه جنوبی تغییر می‌یابد و بنا بر این میل آفتاب در هر سال دو مرتبه صفر میشود یکی روز اول بهار و دیگری اول پاییز .

(در شکل زیر خط «ا-ب» تصویر دایره معدل النهار است و د-ج تصویر منطقه البروج پس در ظرف یکسال مرکز شمسی فقط دو نوبت بر معدل النهار واقع میشود و بعبارة اخری در روز اول بهار و پاییز که میل آفتاب صفر میشود از مشرق اعتدال طلوع میکند و در مغرب اعتدال غروب مینماید و این همان معنی کلام مقدس رب المشرق و رب المغرب است و چون از اول بهار



بسمت تابستان برویم میل آفتاب روز بروز بسمت شمال میافزاید تا بمنتهای درجه شمالی خود یعنی به ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه شمالی میرسد در این موقع است که مدار یومی ح-ح را طی میکند یعنی از نقطه ای که ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه در شمال مشرق اعتدال واقع است طلوع میکند و در نقطه ای که ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه در شمال مغرب اعتدال است غروب مینماید و چون از تابستان بطرف پاییز رویم میل آن رو بتقصان میرود تا در اول پاییز مجدداً این میل صفر میشود و طلوع و غروبش همان است که بجهة روز اول بهار مذکور شد :

حال اگر از اول پاییز بطرف زمستان جلو رویم میل آفتاب جنوبی میشود تا در نقطه د- که به ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه جنوبی میرسد در این موقع است که آفتاب در حرکت شبانه روزیش مدار یومی د-د را طی مینماید یعنی از نقطه ای که ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه جنوب مشرق اعتدال است طلوع میکند و در نقطه ای که ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه در جنوب مغرب اعتدال است

غروب مینماید (مدار ج ج را مدار راس السرطان و د د را مدار رأس الجدی نامند) پس روزیکه آفتاب مدار راس السرطان را طی میکند یک مشرق و یک مغرب خواهد داشت و روزیکه مدار راس الجدی را طی مینماید دارای یک مشرق و یک مغرب دیگری خواهد بود و این همان معنی کلام مقدس رب المشرقین و رب المغربین میباشد :

غیر از این چهار روز در سایر ایام سال آفتاب مداراتی در حرکت شبانه روزی خود می‌پیماید که مابین دو مدار راس السرطان و راس الجدی واقع میشوند بطوریکه میتوان گفت هر یک از این مدارات یومیه قریب ۱۶ دقیقه قوسی بطور متوسط از یکدیگر فاصله دارند و در هر یک از این ایام آفتاب را محل طلوع و غروب خاصی خواهد بود و بعبارت اخیری هر کدام از این ایام مشرق و مغرب مخصوص بخود خواهند داشت و این همان معنی کلام حکمت نظام رب المشارق و المغرب است و اگر گفته شود که مشارق و مغارب مندرجه در این آیه مبارکه مقصود مشرقها و مغربهای کرات سماوی است : جمله مشارق الارض و مغاربها که در آیه ۱۳۳ از سوره هفتم میفرماید تصریح کامل دارد بر اینکه کره زمین دارای مشرقها و مغربهای عیدیه میباشد پس ملاحظه میفرمائید که چگونه قرآن مجید در تلو سه آیه کوتاه و مختصر یک چنین درس مهمی از علم هیئت بخوانند گناش می آموزد در پایان این بیان از درگاه خداوند منان مسئلت مینمایم که قلوب کافه مسلمین را بنور علم و ایمان روشن فرماید.

اخلاق

سخنران بزرگان

چه شبهای بسیار که نخفتی و با مطالعه کتاب تکرار درس صبح کردی و خواب راحت را بر خود حرام نمودی آیا چه عاملی باعث و سبب این ریاضت و مشقات شده اگر هدف کسب مقام و گردآوری مال و تفاخر بر امثال بوده پس وای بروز گارت و اما اگر مقصود تهذیب نفس و تکمیل اخلاق و کسب تواضع و مبارزه با شهوات بوده پس خوشا بحالت .

غزالی
عمر ابن عبدالعزیز را که گاه رخت بر بستن فرا رسید گفت خدایا آنگاه که امرم نمودی تقصیر کردم و در منهیات عصبان و ورزیدم پرورد گارا نعمت و فضلت را بر من انتها کردی اکنون اگر عفو فرمائی منتهی بی منتها نهاده و اگر عقوبت فرمائی ظلم نکرده .

شیخ بهاء الدین
« از کسیکه تو را بیش از آنچه هستی معرفی نماید سخت پرهیز »

شیخ بهاء الدین

« پاره از بیانات برنده تراز شمشیر است »